

حسین لسانی

دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۴/۴/۱۵

تاریخ تأیید نهایی: ۸۴/۵/۹

چکیده

در زبان‌های فارسی و روسی، با توجه به ساختار نحوی، واژه در جمله می‌تواند نقش‌های زیادی ایفا کند. نقش اسم در جمله، بستگی به واژه‌ای دارد که از لحاظ نحوی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. دستورنویسان زبان فارسی، با توجه به وظیفه اسم در جمله، برای آن نقش‌های مختلفی را در نظر گرفته‌اند. این نقش‌ها، عموماً از لحاظ تعریف در یک چهارچوب قرار می‌گیرد. زبان‌شناسان روسی برای نقش‌های اسم، معمولاً از نام‌های یکسان استفاده می‌کنند؛ اخیراً دستورنویسان زبان فارسی، با پژوهش و مطالعاتشان توانسته‌اند، نقش‌های اسم را به‌طور کامل طبقه‌بندی کرده و برای هر کدام از این نقش‌ها، تعاریف مشخص و قابل درک، ارائه دهند که در این مقاله به نقطه‌نظرات دستورنویسان زبان فارسی، از لحاظ تعداد و نام‌گذاری نقش‌های اسم پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: نحو، نقش مسندالیهی، مسندی، متممی، مفعولی، قیدی و اضافی.

زبان‌شناسان و دستوردانان از دیرباز متوجه نقش کلمات در جمله شده بودند و با توجه به شناخت خود، این نقش‌ها را در دستورهای مختلف تعریف می‌کردند. برای اولین بار افلاتون فیلسوف بزرگ یونانی، نقش اسم و فعل را از یکدیگر متمایز کرد. آنچه از افلاتون و شاگردش ارسطو باقیمانده، هنوز هم در علم زبان‌شناسی به دانشمندان کمک می‌کند. با گذشت زمان بود که دستورنویسان، با افزودن مطالب جدید به دست‌آوردهای دانشمندان قبل خود، کتب جالبی ارائه کرده‌اند. در حال حاضر در زبان روسی و فارسی، کتب جالب بسیاری دربارهٔ دستور زبان وجود دارد. در تمامی این کتاب‌ها نقش اسم به‌طور کامل در هر دو زبان، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

بحث و بررسی

اسم، علاوه بر هویت ثابت صرفی خود در جمله، می‌تواند ویژگی‌های متغیری را تحت تأثیر سایر واژه‌ها به دست آورد که نقش کلمه یا نقش اسم نام دارد. به عبارت دیگر، اسم با توجه به قرار گرفتن‌اش در بافت جمله و ارتباط آن با سایر واژه‌ها، می‌تواند نقش‌های مختلفی را عهده‌دار باشد.

دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی در کتاب **نگارش و دستور زبان فارسی ۲** می‌نویسد، در زبان فارسی نقش‌ها بر دو نوع‌اند: نقش‌های اصلی و نقش‌های فرعی. در مورد نقش‌های اصلی باید گفت که وجودشان در جمله قطعی است و در جمله‌های اسمیه و فعلیه با هم متفاوتند. تفاوت نقش‌های فرعی با نقش‌های اصلی در این است که وجود نقش‌های فرعی در جمله احتمالی است. به عبارت دیگر نقش‌های فرعی ممکن است در هیچ یک از جملات اسمیه و فعلیه وجود نداشته باشند. نقش‌های فرعی در جملات اسمیه و فعلیه یکسان به کار می‌روند. مثلاً متمم، صفت یا قید در هر نوع جمله‌ای به کار می‌رود (سلطانی، ۱۳۷۳، ص ۴).

به عقیده مؤلف آنچه باعث تغییر هویت ثابت صرفی واژه می‌شود، وجود نقش‌نما و تأثیرات نحوی واژه‌های دیگر در جمله است. دکتر فرشیدورد در کتاب **گفتارهایی دربارهٔ دستور زبان فارسی** اظهار می‌دارد: «حرف اضافه یا متمم‌ساز کلمه‌ایست که گروه اسمی یا اسمی را وابسته و متمم کلمهٔ دیگر می‌کند» (فرشیدورد، ۱۳۷۵، ص ۶۳).

تقی وحیدیان کامیار در **دستور زبان فارسی (۱)** علامت مفعول صریح (را)، کسره اضافی، علامت ندا (یا ای)، حرف اضافه و پیوند را به عنوان نقش‌نماها ارائه کرده است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸).

روبینچیک عقیده دارد، تمام اجزاء سخن، در صورتی که تبدیل به اسم شده باشند، می‌توانند نقش‌های مختلف اسم را ایفا نمایند (روبینچیک، ۲۰۰۱، ص ۶۸۸).

بلاشاپکوا در کتاب **زبان روسی معاصر** تأکید می‌کند، واژه‌هایی که در جمله دارای نقش‌اند، به دو گروه تقسیم می‌شوند: یک گروه، واژه‌هایی‌اند که هستهٔ مرکزی گزاره جمله (предикативный центр) را تشکیل می‌دهند، گروه دوم، کلماتی‌اند که دخالتی در تشکیل هستهٔ مرکزی گزاره ندارند و فقط معانی واژه‌های تشکیل دهنده هستهٔ مرکزی گزاره را، بسط و گسترش می‌دهند (بلاشاپکوا، ۱۹۸۹، ص ۶۹۷). برای روشن شدن معنی نقش در زبان فارسی و روسی به مثال‌های زیر توجه کنید.

۱- <u>در</u> باز است.	<u>Дверь</u> открыта.
مسندالیه	نهاد
۲- مدتی <u>در کنار در</u> ایستادم	Некоторое время я постоял <u>около двери</u> .
اضافی	متمم
۳- <u>در</u> را بستم.	Я закрыл <u>дверь</u> .
مفعول	مفعول
۴- <u>به</u> در نزدیک شدم.	Я подошел <u>к двери</u> .
متمم	متمم

در زبان فارسی در چهار جمله یاد شده، واژه در از لحاظ صرفی، دارای ویژگی‌های ثابت و دائمی است. مفرد، معرفه، ذات، ساده و عام. اما ضمن داشتن این ویژگی‌های دائمی، در هر جمله، وظیفه یا نقش مشخصی را با توجه به تأثیر فعل یا مسند، ایفا می‌کند. در جملهٔ اول واژه در، در نقش **مسندالیه**، در جمله دوم در نقش **اضافی**، در جمله سوم در نقش **مفعولی** و در جمله چهارم در نقش **متممی** ظاهر شده است.

در زبان روسی اسم می تواند در جمله، نقش های **متممی** (дополнение)، **وابسته** (وصفی) (определение)، **بدلی** (приложение) و **قیدی** (обстоятельство) داشته باشد (کاساتکین، ۲۰۰۱، ص ۶۸۹).

در نتیجه بررسی و تحقیقی که مؤلف بر روی نقش های مختلف اسم داشته است، به این نتیجه رسیده که برای اسم در زبان فارسی می توان نه نقش به شرح زیر قائل شد.

۱- نقش نهادی (= الف- فاعلی ب- مسندالیهی) ۲- مسندی ۳- مفعولی ۴- متممی ۵- اضافی (مضاف الیهی)، ۶- نقش قیدی، ۷- بدلی، ۸- مکملی، ۹- وصفی.

با توجه به آنچه که در بالا گفته شد، مشخص می شود که نقش اسم در زبان فارسی وسیع تر از زبان روسی است.

اینک به بررسی و مطالعه هر یک از این نقش ها و مقایسه آن با زبان روسی می پردازیم.

به مثال های زیر دقت کنید:

۱- **خواهر به خانه می رود** (Сестра идёт домой) ۲- **برادر نامه می نویسد** (Брат пишет письмо) ۳- **هوا خوب است** (Погода хороша)

۱- **نقش نهادی:** در زبان فارسی واژه نهاد به معنی بنیاد و سرشت است. اما در دستور زبان آن قسمت از جمله که درباره آن خبر می دهیم، نهاد نام دارد (معینان، ۱۳۶۹، ص ۶۱). واژه ای که در جایگاه نهاد جمله قرار گیرد، نقش نهادی را به عهده دارد. در جملات شماره ۱ و ۲، واژه **خواهر** و **برادر** نهاد است و نقش نهادی را ایفا می کنند. در زبان روسی نیز نقش نهادی (подлежащее) وجود دارد.

در زبان فارسی در جملات با شخص وجود نهاد رکن اساسی جمله است. حتی اگر در جمله، نهاد به صورت آشکارا به کار نرفته باشد، شناسه که همان نهاد اجباری است، نقش نهاد جمله را به عهده دارد (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰).

در زبان روسی، در زمان حال و آینده، امکان استفاده از نهاد اجباری وجود دارد، ولی در زمان گذشته، این امکان معمولاً وجود ندارد.

در زبان فارسی، نهاد بر دو نوع است: نهاد فاعلی و مسندالیهی. نهاد در جمله های فعلی، که مفهوم کار یا عملی را مستقیماً به آن نسبت می دهند، فاعل یا کننده کار است. مانند جملات شماره ۱ و ۲. در این جملات واژه های خواهر و برادر فاعل اند (подлежащее) زیرا عملی را انجام می دهند.

عبدالعظیم قریب در توضیح ویژگی های مسندالیه می نویسد: «فعل، هرگز مسندالیه واقع نمی شود و حروف از قبیل حروف اضافه و حروف ربط و اصوات، نه مسند واقع شوند و نه مسندالیه» (قریب و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷).

در نهاد مسندالیهی، معمولاً حالت یا صفتی به نهاد نسبت داده می شود، مانند: جمله شماره ۳، که در آن واژه هوا، مسندالیه (подлежащее) جمله محسوب می شود، زیرا صفت خوب (مسند) را به هوا نسبت داده ایم. همانطوری که می بینیم، در زبان روسی برای بیان واژه نهاد، فاعل، مسندالیه که در زبان فارسی به خوبی از یکدیگر متمایزند، واژه (подлежащее) به کار می رود. به عبارت دیگر سه نقش یاد شده (فاعلی، نهادی و مسندالیهی) در زبان روسی در یک نقش (подлежащее) خلاصه می شوند.

در جملاتی که مسندالیه وجود دارد، معمولاً در زبان فارسی، جمله از سه رکن. اسم، صفت و فعل ربطی تشکیل شده است. مانند **هوا خوب**

است.

مسندالیه مسند فعل ربطی

Погода хороша

صفت اسم

در زبان روسی جملات مشابه، معمولاً در زمان حال، از دو واژه اسم و صفت ساخته می شوند.

پرویز ناتل خانلری فاعل جمله را چنین توضیح می دهد: «فاعل کلمه ای است که انجام دادن کاری را به آن نسبت می دهیم» (ناتل خانلری،

۱۳۶۶، ص ۴۴).

نادر وزین پور در کتاب **دستور زبان فارسی** می نویسد: «... هر فاعلی مسندالیه هم هست. (وزین پور، ۱۳۶۹، ص ۹۰). به نظر مؤلف، اگر تعریف کننده کار یا انجام دهنده عملی را برای فاعل انتخاب کنیم و مسندالیه را واژه ای در نظر بگیریم که حالت یا صفتی از مسند به او نسبت داده می شود، در این صورت، برخلاف نقطه نظر نادر وزین پور، باید اعتراف کنیم که هر فاعلی، مسندالیه نمی شود! مثال: شاعر در کتاب خود به مطالب جالبی اشاره می کند. در جمله یاد شده شاعر فاعل است نه مسندالیه.

والگینا در کتاب **دستور زبان روسی** تأکید می کند، در زبان روسی نهاد همیشه در حالت فاعلی قرار دارد. تقریباً تمام اجزاء سخن که به عنوان

اسم در جمله به کار می روند، می توانند نقش نهاد را بازی کنند، مانند:

Сытый голодного не разумеет (посл.)

حالت فاعلی

سیر از گرسنه خبر ندارد (ضرب‌المثل)

در جمله یاد شده واژه **СЫТЫЙ** (سیر) صفتی است، که در این جمله تبدیل به اسم شده و نقش نهاد جمله را ایفا می‌کند (والگینا، ۲۰۰۱، ص ۳۱۶).

در زبان فارسی نیز کلماتی که به اسم تبدیل شده‌اند، می‌توانند نقش نهاد را در جمله ایفا کنند، مانند: دانشمند وارد اتاق شد.
نهاد (اسم)

در جمله بالا کلمه دانشمند اسم است و می‌تواند در جملات دیگر صفت باشد، مانند مرد دانشمند وارد اتاق شد.
صفت

۲- نقش مسندی: معمولاً مسند، حالت یا صفتی را به مسندالیه نسبت می‌دهد، مانند هوا خوب است. در زبان فارسی واژه خوب (مسند) به مسندالیه (هوا) نسبت داده شده است. در زبان فارسی، واژه صفت بیشتر از واژه‌های دیگر می‌تواند در نقش مسند قرار گیرد. گاهی نیز در زبان فارسی، شاهدیم که واژگان دیگری می‌توانند به جای مسند قرار گیرند. مانند، نام این ساختمان، دانشکده زبان‌های خارجی است.

مسند

Это здание называется факультетом иностранных языков.

فعل

همان‌طوری که می‌بینیم، در زبان روسی فعل می‌تواند نقش صفت (مسند) زبان فارسی را (называется) به عهده بگیرد.
در زبان فارسی، گاهی اسم همراه با حرف اضافه می‌تواند نقش مسند را ایفا کند، مانند: او از شاعران است. در زبان روسی، در جملات مشابه، گزاره جمله (сказуемое) نقش مسند را عهده‌دار می‌شود، مانند:

Он один из поэтов.

گزاره

احمد شفایی در کتاب مبانی علمی دستور زبان فارسی بر خلاف بسیاری از زبان‌شناسان که هسته مرکزی جمله را گزاره تشخیص داده‌اند، می‌نویسد، نقش نهاد و گزاره در جمله یکسان است و گزاره هیچ برتری و مزیتی نسبت به نهاد ندارد (احمد شفایی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۶).
به نظر نگارنده، گزاره، هسته مرکزی جمله در زبان‌های فارسی و روسی است. درباره برتری گزاره بر نهاد همین بس که در زبان‌های روسی و فارسی، جملات مرکب را از روی تعداد گزاره (сказуемое) تشخیص می‌دهند. ضمناً محمد جواد شریعت در کتاب دستور زبان فارسی می‌نویسد، اگر جمله‌ای فقط یک جزء داشته باشد، آن جزء باید فعل جمله باشد، مانند: بیا و برو (شریعت، ۱۳۷۵، ص ۱۷۳). با توجه به اظهار نظر محمد شریعت، مبنی بر این که جمله می‌تواند فقط از فعل تشکیل شده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که گزاره، هسته مرکزی تشکیل دهنده جمله، نسبت به نهاد برتری و مزیت دارد، چرا که نهاد به تنهایی نمی‌تواند تشکیل دهنده جمله باشد.
در مثال‌های یاد شده، فعل جملات (بیا، برو) به وسیله وجه امری بیان شده‌اند. در وجه امری، معنی شناسه فعل در خود فعل مستتر است. فعل امری دارای شناسه صفر است. در افعال امری، نهاد مستتر وجود دارد، با وجود این، رکن اصلی جمله گزاره محسوب می‌شود، و به همین علت گزاره نسبت به نهاد برتری و مزیت دارد.

۳- نقش مفعولی: در زبان‌های فارسی و روسی، مفعول، یکی از ویژگی‌های فعل گذرا است. در ساختارهای مشابه در زبان‌های روسی و فارسی، معنی فعل گذرا در جمله، بدون مفعول، ناقص و نامفهوم است.

مانند: من این کتاب را خواندم.

گروه مفعولی

Я прочитал эту книгу.

مفعول

در صورتی که در جمله‌های یاد شده در زبان فارسی، کتاب را، و در زبان روسی واژه книгу را حذف کنیم، جمله مفهوم نمی‌شود.

۴- نقش متممی: در زبان‌های فارسی و روسی، متمم معنی اصلی جمله را بسط و گسترش می‌دهد، مانند ۱- او نامه نوشت. ۲- او به دوستش درباره زندگیش نامه نوشت.

گروه متممی گروه متممی

1- Он написал письмо.

2- Он написал ПИСЬМО ДРУГУ О СВОЕЙ ЖИЗНИ.

گروه متممی متمم

با دقت در جمله شماره یک و دو، متوجه می شویم که گروه های متممی به دوستش (ДРУГУ) و درباره زندگی (О СВОЕЙ ЖИЗНИ) معنی جمله شماره یک زبان های فارسی و روسی را بسط و گسترش داده و مفاهیم جدیدی را به جمله اضافه کرده است.

ماهوتیان در بحث مربوط به مفعول چنین می نویسد: «مفعول مستقیم به صراحت تحت حاکمیت فعل است. دیگر مفعول ها تحت حاکمیت حرف اضافه هستند، مانند: با شوهرم رفتم پاریس متمم
(Я с мужем поехала в Париж) (ماهوتیان، ۱۳۸۲، صص ۱۴۱-۱۴۲).
(Я написал письмо карандашом). نامه رو با مداد نوشتم.

متمم

متمم

منظور ماهوتیان از عبارت دیگر مفعول ها در این دو مثال، همان متمم است.

بر اساس اظهار نظر کاساتکین در کتاب زبان روسی، ارکان فرعی جمله، در زبان روسی دو نقش مهم به عهده دارند: ۱- به برخی از اعضای جمله، معنی اضافی می دهند. ۲- بنیاد گزاره (Предикативность) جمله را بسط و گسترش می دهند (کاساتکین، ۲۰۰۱، صص ۶۸۸). در زبان فارسی متمم بر دو نوع است: متمم مفعولی، و متمم قیدی. متمم مفعولی را به طور خلاصه متمم نیز می گویند. متمم مفعولی در زبان فارسی، معمولاً با حرف اضافه همراه است، در حالی که متمم می تواند با حرف اضافه همراه باشد یا نباشد.
مانند: او برای برادرش کتاب خرید.

متمم مفعولی

Он купил брату книгу.

متمم

او پیش خواهرش آمد.

متمم مفعولی

Он пришёл к сестре.

متمم

متمم قیدی در جملات فارسی و روسی، معمولاً دارای مفاهیم متعدد قیدی از قبیل مکان، زمان، مقدار، حالت و چگونگی است، در حالی که متمم مفعولی دارای این معانی نیست، مانند او به خانه آمد.

متمم قیدی

Он пришёл домой.

متمم قیدی

در زبان روسی به ترکیب به خانه، متمم قیدی گویند.

۵- نقش اضافی: معمولاً در نقش اضافی، کلمه یا گروهی از کلمات با کمک کسره اضافه به دنبال اسم دیگری قرار می گیرد و توضیحی به مفهوم آن اضافه می کند، مانند کتاب معلم

مضاف مضاف الیه

(книга преподавателя)

حالت اضافی

علی سلطانی در کتاب زبان فارسی ۲ درباره مضاف و مضاف الیه (نقش اضافی) چنین توضیح می دهد: «ترکیب اسم-اسم، مضاف و مضاف الیه است» (سلطانی، ۱۳۷۴، صص ۱۱۱).

در زبان فارسی به واژه کتاب مضاف و به کلمه معلم مضاف الیه گویند. نقش مضاف الیه همیشه در زبان فارسی نقش اضافی و در زبان روسی معمولاً با حالت (родительный падеж) یا حالت اضافی بیان می شود. در هر دو زبان مضاف می تواند نقش های متعددی را ایفا کند.

۶- نقش قیدی: قید می تواند در زبان های روسی و فارسی، فعل و سایر اجزای جمله را به مفهوم معینی محدود کند، یا مفهوم جمله را به طور کامل و دقیق تر بیان کند. از این رو قید را نیز نوعی متمم دانسته اند.

در زبان های روسی و فارسی، کلماتی که نقش قیدی را می پذیرند، بسیار وسیع و گسترده اند. مهمترین نشان بارز نقش قیدی در زبان فارسی

Он в шесть часов вошёл в свой кабинет.

نقش قیدی نقش قیدی

در زبان فارسی، به ویژه در زبان محاوره، ممکن است قید بدون حرف اضافه به کار رود، در این صورت معنی خود قید در تشخیص آن به ما کمک می‌کند، مانند: او ساعت شش وارد دفتر کارش شد.

در زبان روسی، در جملات مشابه حذف حرف اضافه از لحاظ دستوری امکان ندارد.

۷- **نقش بدلی:** به واژه‌ای که جانشین کلمه دیگر شود و ترکیب‌هایی را از قبیل شهرت، مقام، شغل و لقب را برای اسم بیان کند، بدل گویند. در زبان‌های فارسی و روسی معمولاً بدل با مکث کوچکی بعد از اسم قرار می‌گیرد. در زبان فارسی به اسمی که بعد از بدل قرار می‌گیرد آن مبدل منه گویند. در زبان روسی معادل بدل واژه (приложение) نام دارد که دارای همان ویژگی‌های بدل است، مانند: مریم، خواهر کوچکم، خیلی خوب درس می‌خواند.

بدل

Марьям - моя сестра очень хорошо учится

نقش بدلی

فرشیدورد درباره‌ی شبه بدل (شاخص) چنین توضیح می‌دهد: در زبان فارسی کلماتی بدون واسطه بعد از اسامی خاص قرار می‌گیرند که شبه صفت یا شبه بدل یا شاخص پسین نامیده می‌شوند، مانند: کریم خان، حسن آقا.

شبه بدل شبه بدل

(فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۳۳۹).

دکتر حق‌شناس در کتاب زبان فارسی ۳ در توضیح شاخص‌ها، می‌نویسد: «شاخص‌ها عناوین و القایی هستند که بدون هیچ نشانه یا نقش‌نمایی پیش از اسم می‌آیند. شاخص‌ها همیشه بی‌فاصله در کنار هسته می‌آیند و خود اسم یا صفت هستند و در جای دیگر می‌توانند هسته گروه اسمی قرار گیرند» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹).

روزنتال در کتاب دستور زبان روسی واژه (приложение) (بدل) را این‌گونه توضیح می‌دهد، بدل در زبان روسی بعد از کلمه دیگری می‌آید و ویژگی‌های واژه اول را بیان می‌کند. در زبان روسی بدل با واژه مربوطه از لحاظ حالت هماهنگی کامل دارد، مانند: (دانش‌آموز ممتاز) (ученик – отличник)، (رودخانه ولگا) (река – Волга) و غیره. (روزنتال، ۱۹۹۴، ص ۳۹۷)

۸- **نقش مکملی:** برخی از دستورنویسان نقش مکملی را نقش تمیزی نیز گویند. مکمل واژه‌ای است که معمولاً همراه برخی از فعل‌های گذرا به کار می‌رود و معنی فعل را کامل می‌کند. در صورتی که مکمل را از جمله حذف کنیم، جمله دارای معنی کاملی نخواهد بود، مانند: او را دوست خود می‌شمارم.

مکمل

Я считаю его своим другом

متمم

مکمل زبان فارسی در جملات روسی متمم محسوب می‌شود.

زمانیان درباره‌ی نقش تمیزی (مکملی) پیشنهاد می‌کنند که به جای واژه تمیزی از نام مفعول دوم استفاده شود، زیرا اگر واژه‌ای را که نقش تمیزی به عهده دارد، از جمله حذف کنیم، جمله دارای معنی کامل نخواهد بود. مانند: سابقاً خراسان را خاوران می‌گفتند. در صورتی که واژه خاوران را حذف کنیم، معنی جمله ناقص است (زمانیان، ۱۳۷۵، ص ۷۸).

به نظر مولف انتخاب مفعول دوم به جای واژه تمیزی مناسب‌تر است (همانجا).

برخی از دستورنویسان زبان فارسی به نقش ندایی اشاره می‌کنند، مانند:

دوست عزیز، برای من از زندگی خودت بنویس.

نقش ندایی

Дорогой друг! Напиши мне о своей жизни

به نظر نگارنده در زبان‌های فارسی و روسی خطابه را نمی‌توان جزء نقش اسم محسوب کرد، زیرا خطابه در هر دو زبان از لحاظ نحوی هیچ ارتباطی با سایر اعضای جمله ندارد. خطابه، در زبان روسی (обращение) نام دارد. در زبان روسی خطابه (обращение) واژه یا گروه کلماتی است که از لحاظ دستور هیچ ارتباطی به اعضای جمله ندارد و در جمله مشخص کننده فردی است که مورد خطاب قرار گرفته است، مانند:

Сергей Сергеевич! Это вы ли?

خطابه

(انستیتوی زبانشناسی، ۱۹۵۴، ص ۱۲۲)

در زبان روسی بعد از خطابه علامت استفهام می‌گذرانند. معمولاً در زبان فارسی بعد از خطابه ویرگول به کار می‌رود.

۹- نقش وصفی: در صورتی که صفت به همراه اسم در جمله به کار رود، در این صورت صفت نقش وصفی را به عهده دارد که خود از نقش‌های وابسته است، زیرا به طور مستقیم با فعل ارتباط ندارد، مانند:

دیروز کتاب جالبی خریدم.

نقش وصفی

(Вчера я купил интересную книгу)

نقش وصفی

معادل نقش وصفی (وابسته) زبان فارسی که به زبان روسی (определение) نام دارد، می‌تواند به صورت وابسته هم‌آهنگ با اسم (نقش وصفی) و به صورت وابسته غیر هم‌آهنگ (مضاف و مضاف الیه) در جمله به کار رود. مانند:

Пятый раз (بار پنجم) законы Ньютона (قوانین نیوتن)

وابسته هم‌آهنگ نقش وصفی وابسته غیر هم‌آهنگ مضاف مضاف‌الیه

(کاستاماروف، ۲۰۰۳، ص ۵۵۷).

معمولاً معادل وابسته هم‌آهنگ، در زبان فارسی وجه وصفی و معادل وابسته غیر هم‌آهنگ، مضاف و مضاف‌الیه می‌باشد. علاوه بر نقش‌های یاد شده، عباسعلی مولوی نقش دیگری ارائه می‌دهد که در کتاب‌های دست‌نویسان زبان فارسی کمتر به چشم می‌خورد. در صورتی که اسم در جمله توسط یکی از حروف ربط به واژه دیگر ارتباط داده شود، معطوف واقع می‌شود، مانند:

من پدر و مادرم را دوست دارم (مولوی، ۱۳۶۵، ص ۶۵).

معطوف

در زبان روسی معادل معطوف، اعضای هم‌نقش جمله (предложения) (однородные члены) است.

نتیجه‌گیری

مؤلف بعد از تحقیق و بررسی نقش‌های اسم در زبان‌های فارسی و روسی، به نتایج زیر رسیده است: تعداد نقش‌هایی که دست‌نویسان در زمان گذشته تا امروز برای اسم قائلند، به مراتب از نقش‌های اسم، در زبان روسی بیشتر و غنی‌ترند. بین زبان‌شناسان فارسی درباره تعداد نقش‌های اسم، اختلاف نظر بسیار زیادی وجود دارد. این تعداد از چهار تا سیزده نوع در نوسان می‌باشد. اختلاف نظر زبان‌شناسان روسی درباره تعداد نقش‌های اسم، به مراتب کمتر است. گاهی چندین نقش اسم در زبان فارسی، در زبان روسی با یک واژه بیان می‌گردد، مانند: نقش نهادی، مسندلیهی و فاعلی که در زبان روسی این نقش‌ها از یکدیگر متمایز نیستند و معادل آن‌ها در زبان روسی واژه (подлежащее) است. برخی از نقش‌های زبان فارسی در زبان روسی نقش محسوب نمی‌شود، چون از لحاظ نحوی با واژه‌های دیگر در ارتباط نمی‌باشند، مانند: خطابه. در هر دو زبان کلمه‌ای می‌تواند نقش‌های مختلف اسم را عهده‌دار باشد که به اسم تبدیل شده باشد. در زبان فارسی حرف اضافه می‌تواند معمولاً در زبان محاوره، از جمله حذف شود، در صورتی که در زبان روسی حذف حرف اضافه از جمله امکان ندارد.

منابع

- ۱- حق‌شناس، علی محمد و دیگران، *زبان فارسی*، چاپ و نشر ایران، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- زمانیان، صدرالدین، *دستور زبان فارسی*، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۵.

- ۳- شریعت، محمدجواد، دستور زبان فارسی، اساطیر، تهران، ۱۳۷۵.
 - ۴- شفقائی، احمد، مبانی علمی دستور زبان فارسی، نوین، تهران، ۱۳۶۹.
 - ۵- سلطانی علی و دیگران، دستور زبان فارسی، چاپ و نشر ایران، تهران، ۱۳۷۴.
 - ۶- فرشیدورد، خسرو، دستور مفصل امروز، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲.
 - ۷- _____، گفتارهایی در مورد دستور زبان فارسی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵.
 - ۸- قریب، عبدالعظیم و دیگران، دستور زبان پنج استاد، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۰.
 - ۹- ماهوتیان، شهرزاد، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۲.
 - ۱۰- معینان، مهدی، دستور زبان فارسی، معینان، تهران، ۱۳۶۹.
 - ۱۱- مولوی، عباسعلی، دستور زبان فارسی، اتحاد، تهران، ۱۳۶۵.
 - ۱۲- ناتل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، پژمان، تهران، ۱۳۶۶.
 - ۱۳- وحیدیان کامیار، تقی، دستور زبان فارسی ۱، سمت، تهران، ۱۳۸۲.
 - ۱۴- وزین‌پور، نادر، دستور زبان فارسی، معین، تهران، ۱۳۶۹.
 - ۱۵- یوسفی، حسین علی، دستور زبان فارسی ۲ و ۱، روزگار، تهران، ۱۳۷۹.
- 16- Академия наук СССР, *Грамматика русского языка*, "Институт языкознание", Москва, 1954.
- 17- Белошапкова, В., А., *Русский язык*, "Высшая школа", Москва, 1989.
- 18- Костомаров, В., Г., *Современный русский лит ерат урний, язык*, "Гардаринки", Москва, 2003.